درس ۱

۱	دعا

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) مرقس

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (مرقس ۱: ۱-۴: ۲۰) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: شخصیت مسیحی

دو نفری تعمق، حفظ و مرور کنید: شباهت به مسیح: دوم قرنتیان ۳: ۱۸

۴	تعلیم (۸۵ دقیقه) عید میلاد مسیح - جشنی که یاد آور تولد مسیح می باشد

مقدمه: میلاد مسیح (کریسمس)، عیدی مسیحی است که در آن تولد عیسی مسیح را به یاد می‌آوریم. در این درس، تعلیم کتاب‌مقدس را در خصوص آمدن عیسی‌مسیح به جهان خواهیم آموخت. همچنین خواهیم آموخت که چگونه ظهور او در نبوت‌های عهدعتیق پیشگویی شده بود، و به‌هنگام ولادت او چه رخ داد، و اینکه آمدن او به این جهان چه اهمیتی برای ما دارد.

الف - <u>قدیمی‌ترین تاریخ بشر بیانگر اولین وعدهٔ خدا به مردم می باشد.</u>

اولین وعده کتاب‌مقدس در پیدایش ۳: ۱۵ یافت می‌شود. زمانی که هیچ گناهی بر روی زمین وجود نداشت، شیطان بر اولین انسانها که آدم و حوا بودند به شکل ماری ظاهر شد. از چارچوب این متن آشکار است که در پشت این مار روح شریری قرار داشت که سخنگویی قوی بود. این روح شریر "ابلیس" نامیده می‌شود که به مفهوم متهم‌کننده، "شیطان"، دشمن، مخالف و حتی اژدها می باشد (مکاشفه ۱۲: ۹). او اولین مرد و زن را وسوسه کرد تا از حکم خدا نا اطاعتی کنند و ایشان از وضعیت پاکی که داشتند به طبیعت گناه آلود سقوط کردند.
خدا آنان را مجازات کرد و به ایشان گفت که از آن پس همواره بین ذریت شیطان (که روح‌های شریر و افرادی هستند که همواره طرفدار شیطان می‌باشند) و ذریت زن (افرادی که همواره طرفدار خدا هستند) دشمنی و منازعه خواهد بود. در آینده شخصی از ذریت زن سر شیطان را خواهد کوبید و شیطان نیز پاشنه وی را خواهد کوبید و به او بسیار آزار خواهد رسانید. بنابراین خدا دوستی مخرب بین شیطان و مردم اولیه را به دشمنی تبدیل کرد. خدا ابتدا در مورد منازعه دائمی بین ذریت شیطان و ذریت زن و بعد در مورد پیروزی نهایی سخن گفت.
در پرتو مکاشفه عهدجدید، متوجه می‌شویم که این منازعه بین ابلیس و عیسی مسیح می‌باشد. عیسی باید ابتدا توسط قوم خود و پس از آن بر روی صلیب عذاب می‌کشید. عیسی مسیح در زمان آمدن خود بر روی زمین، قدرت شیطان را در هم کوبید.

ب - <u>تاریخ عهدعتیق بیانگر منازعه‌ای است که هدفش ممانعت از تحقق وعده خدا می‌باشد.</u>

۱- <u>منازعه‌ای که از زمان آدم شروع شد و تا زمان نوح ادامه یافت، بخشی از منازعه بین شیطان و مسیح بود.</u>

الف) <u>خدا نخستین وعده نجات را به اولین مرد و زن داد (مکاشفه ۳: ۱۵).</u> در ابتدا آنها تنها دو فرزند به نامهای قائن و هابیل داشتند. قائن نسبت به هابیل حسادت ورزیده، خشمگین شد و او را کشت (مکاشفه ۴: ۱- ۸). اینطور به‌نظر می رسد که شیطان می‌خواست ذریت زن را از بین ببرد تا بدین ترتیب وعده خدا در مورد نجات به تحقق نرسد. اما خدا به آدم و حوا پسران و

دختران دیگری را نیز عطا کرد (مکاشفه ۵: ۱-۵). سومین پسر آدم و حوا به نام شیث، مقدر شد تا حامل وعده نجات خدا باشد (پیدایش ۵: ۶-۳۲). نسل بشر به رشد و گسترش خود ادامه می داد. بنابراین انجام وعده خدا از طریق شخصی که می‌بایست در نسل بشری به دنیا بیاید، امری قابل اجرا به‌نظر می رسید.

ب) پس از سالهای زیاد، مردمان زیادی بر روی زمین می‌زیستند. شناخت خدای زنده که آدم و حوا آن را به نسلهای خود انتقال داده بودند، به اندازه ای مبهم شده بود که بشر خود را وقف زندگی کاملاً فاسدی کرد. "پسران خدا" که از ذریت شیث بودند، افرادی بودند که از خدا پیروی می‌کردند. ولی "دختران انسانها" که از ذریت قائن بودند، افرادی بودند که تنها از انسانهای دیگر پیروی می‌کردند. ایمانداران به خدا شروع به ازدواج با غیرایمانداران کردند (پیدایش ۶: ۱-۴؛ تثنیه ۷: ۱-۴؛ دوم قرنتیان ۶: ۱۴). در نتیجه، شرارت انسان در زمین بسیار شد (پیدایش ۶: ۵-۷، ۱۱-۱۳). خدا بر آن شد تا تمامی بشر را از طریق طوفان هلاك سازد. باز چنین به‌نظر می‌رسید که شیطان بدین طریق پیروز شده و باعث از بین رفتن تمام بشر به همراه وعده نجاتی که به آنها داده شده بود، خواهد شد.
در آن زمان شخصی بر روی زمین بود که ترس خدا را در دل داشت. نوح شخص عادل و درستکاری در میان مردم زمان خود بود. و او با خدا راه می‌رفت (پیدایش ۶: ۸- ۹). خدا نوح و خانواده‌اش را از هلاکت طوفان نجات داد (پیدایش ۶: ۱۴- ۸: ۲۲). نسل بشری به رشد و گسترش خود ادامه داد و بدین گونه تحقق وعده نجات خدا توسط شخصی که می‌بایست در یك نسل بشری به دنیا بیاید، کماکان امری واقعی بود.

۲- منازعه ای که از زمان آدم شروع شده تا زمان یهودا ادامه یافت، بخشی از منازعه بین شیطان و مسیح بود.

الف) در قرن بیست و یك قبل از میلاد، خدا وعده‌ای در رابطه با آمدن نجات‌دهنده به ابراهیم (ابرام) و سارا (ساره) داد. خدا وعده داد که ذریت آنها به اندازه ستارگان آسمان و شنهای دریا بی‌شمار خواهد بود. خدا گفت: "از ذریت تو تمام قبایل زمین برکت خواهند یافت" (پیدایش ۱۱: ۲۶- ۳۲؛ ۱۲: ۱- ۳؛ ۱۵: ۵؛ ۲۲: ۱۷- ۱۸). از دیدگاه انسانی این وعده نمی‌توانست به تحقق برسد، زیرا بدن ابراهیم و سارا فرسوده شده بود و سارا هم نازا بود. باز اینگونه به‌نظر می‌رسید که شیطان در این مورد پیروز می‌شود. ولی زمانی که ابراهیم ۱۰۰ ساله بود، خدا به‌طرز معجزه‌آسایی به او و سارا پسری به نام اسحاق بخشید (پیدایش ۲۱: ۱- ۷). سلسله وعده نجات خدا باز ادامه یافت.

ب) وعده مربوط به آمدن نجات‌دهنده به اسحاق داده شد (پیدایش ۱۹: ۱۷؛ ۲۶: ۴)، ولی همسر او ربکا نیز نازا بود (پیدایش ۲۵: ۲۱). باز اینگونه به‌نظر می‌رسید که شیطان پیروز می‌شود. ولی اسحاق در حضور خدا دعا کرد و خدا به او دو فرزند به نامهای عیسو و یعقوب بخشید.

پ) وعده مربوط به نجات‌دهنده موعود به یعقوب داده شد (پیدایش ۲۸: ۱۳-۱۴)، ولی برادرش عیسو می‌خواست او را بکشد، زیرا یعقوب حق نخست‌زادگی را از او گرفته بود (پیدایش ۲۷: ۴۱). باز اینگونه به‌نظر می‌رسید که شیطان از طریق ممانعت از تحقق وعده خدا پیروز می‌شود. ولی خدا به یعقوب وعده داد که در هر جایی که برود از او محافظت خواهد کرد (پیدایش ۲۸: ۱۵). یعقوب کشته نشد و سلسله وعده نجات خدا باز ادامه یافت.

ت) وعده مربوط به نجات‌دهنده موعود، به یهودا پسر یعقوب داده شد. طبق این وعده، سلطنت از قبیله یهودا دور نخواهد شد. منجی موعود، پادشاه خواهد بود و تمامی قبایل روی زمین روزی از او اطاعت خواهند کرد (پیدایش ۴۹: ۱۰).

۳- منازعه‌ای که از زمان یهودا شروع شد و تا زمان موسی ادامه یافت ، بخشی از منازعه میان شیطان و عیسی بود.

الف) بین قرنهای پانزده و یازده قبل از میلاد، وعده مربوط به نجات‌دهنده موعود از طریق نسل یهودا گسترش یافت. شیطان به دلیل اینکه نتوانست پاتریارخها یعنی ابراهیم، اسحاق و یعقوب را از بین ببرد، دشمنی خود را معطوف به بنی‌اسرائیل که از ذریت یعقوب بودند کرد.
در سرزمین مصر بنی‌اسرائیل ملتی بزرگ شدند. در کتاب خروج می‌خوانیم که چگونه پادشاه مصر فرمان کشتن تمام فرزندان ذکور اسرائیلی را صادر کرد (خروج ۱: ۷-۲۲). باز اینگونه به‌نظر می‌رسید که شیطان در نابودی "ذریت زن" موفق شده است. ولی خدا موسی را در قصر پادشاهِ مصر محافظت کرد و بعد او را فراخواند تا قوم اسرائیل را در خروجشان از مصر و رفتنشان به سرزمین موعود رهبری کند (خروج ۳: ۱-۱۲).

ب) در طول سفر در بیابان بسوی سرزمین موعود، بنی‌اسرائیل دائماً به سمت بت‌پرستی گرایش پیدا می کردند. آنها گوساله‌ای طلایی ساختند و به پرستش آن پرداختند (خروج ۳۲: ۱-۶). خدا از این امر به خشم آمده، بر آن شد تا تمامی قوم اسرائیل را بجز موسی نابود سازد (خروج ۳۲: ۱۰). باز اینگونه به‌نظر می‌رسید که شیطان در نابودی "ذریت زن" موفق می‌شود. ولی موسی در حضور خدا شفاعت کرد و برای بنی‌اسرائیل طلب رحمت نمود. و خدا دعای او را شنید. موسی در این چارچوب

"نمونه" ای از عیسی مسیح به‌عنوان بزرگترین شفیع می‌باشد، که نه تنها برای ما دعا می‌کند بلکه جان خود را برای ما فدا ساخت (عبرانیان ۷: ۲۵-۲۸).

۴- منازعه‌ای که از زمان موسی شروع شد و تا زمان داود ادامه یافت، بخشی از منازعه بین شیطان و مسیح بود.

در طول قرن یازده قبل از میلاد، وعده مربوط به نجات‌دهنده و پادشاه موعود به داود پادشاه داده شده بود. داود از قبیله یهودا بود. در اول تواریخ ۱۷: ۱۱-۱۴ خدا وعده استقرار پادشاهی یکی از پسران داود را داد. این پادشاه آینده قرار بود "خانه ای برای خداوند" بسازد (دوم قرنتیان ۶: ۱۶؛ افسسیان ۲: ۲۰-۲۲؛ اول پطرس ۲: ۴-۶، ۹-۱۰). خدا وعده داده بود که تخت پادشاهی‌اش را تا ابد استوار خواهد ساخت (اشعیا ۹: ۶؛ متی ۱۲ :۲۸؛ مکاشفه ۱۷: ۱۴؛ ۱۹: ۱۶). "خدا پدر او و او پسر خدا خواهد بود" (دوم سموئیل ۷: ۱۴؛ مزمور ۲: ۷؛ عبرانیان ۱: ۵). در ارمیا ۲۳: ۵ می‌خوانیم، "اینك ایامی می‌آید که شاخه ای عادل برای داود برپا می‌کنم و پادشاهی سلطنت نموده، به فطانت رفتار خواهد کرد و انصاف و عدالت را بر زمین مجرا خواهد داشت". به دلیل این وعده‌هایی که خدا به داود داده بود، شیطان در صدد نابودی او بود. دو بار شائول پادشاه سعی کرد داود را با نیزه‌اش از بین ببرد ولی موفق نشد (اول سموئیل ۱۸: ۱۰-۱۱). پس از آن پسر داود، ابشالوم، به همراه گروهی بزرگ از میان ملت اسرائیل سعی کردند داود را از بین ببرند ولی آنان نیز موفق نشدند (دوم سموئیل ۱۵: ۱-۱۹: ۴۳). داود به‌دست آنان کشته نشد.

۵- منازعه‌ای که از زمان داود آغاز شد و تا زمان آحاز ادامه یافت، بخشی از منازعه بین شیطان و مسیح بود.

الف) در طول قرن ده قبل از میلاد، وعده مربوط به نجات‌دهنده و پادشاه موعود، بوسیله پادشاهان حکومت جنوبی یهودا گسترش یافت. بارها پادشاهان حکومت شمالی اسرائیل (نه قبیله و نیم) وارد جنگ با حکومت جنوبی یهودا (دو قبیله و نیم) شدند. بارها اینگونه به‌نظر می‌رسید که شیطان در نابودی "نسل زن" موفق می شود. ولی کتاب‌مقدس به ما تعلیم می‌دهد که هیچ کس نتوانست مانع انجام نقشه خدا شود. عتلیا، که دختر شرور اخاب، پادشاه حکومت شمالی اسرائیل و مادر اخزیا، پادشاهِ متوفی بود (دوم پادشاهان ۸: ۱۸، ۲۶-۲۷)، تصمیم گرفت که تمام اعضای خاندان سلطنتی داود پادشاه را هلاك سازد، زیرا می‌خواست تمامی قدرت را در دست داشته باشد. او تمام پسران پادشاه را کشت. اینگونه به‌نظر می‌رسید که شیطان در نهایت موفق شده بود که سلسله وعده نجات خدا را قطع کرده، "نسل زن " را نابود کند. ولی بار دیگر خدا اجازه نداد که شیطان در این امر پیروز شود. یهوشبع، نوه اخاب پادشاه، یکی از پسران پادشاه را از میان دیگر پسران دزدیده و به مدت ۶ سال این شاهزاده را که نامش یوآش بود، در خانه خدا پنهان کرد، تا اینکه او پادشاه شد و عتلیا کشته شد (دوم پادشاهان ۱۱: ۱-۲۱). اگر عتلیا موفق به کشتار تمام نسل داود پادشاه شده بود، شیطان پیروز می‌شد و نجات‌دهنده موعود به دنیا نمی‌آمد.

ب) بعدها حکومت شمالی اسرائیل و حکومت ارام (مردم سوریه) نقشه‌ای جهت نابودی حکومت جنوبی یهودا کشیدند (دوم پادشاهان ۱۶: ۵). اینگونه به‌نظر می‌رسید که ملل اطراف، قوم خدا را (مردمی که به خدا ایمان داشتند) از بین می‌برند و شیطان به این طریق پیروز می‌شود. ولی اشعیای نبی به آحاز پادشاه گفت: "خود خداوند به شما آیتی خواهد داد: اینك باکره حامله شده پسری خواهد زایید و نام او را عمانوئیل خواهند خواند" (اشعیا ۷: ۱-۱۴). خدا وعده داد که علیرغم شرایط سخت تاریخ، هیچ چیزی نمی‌تواند مانع از آمدن نجات‌دهنده موعود به این دنیا شود. نجات دهنده موعود، "عمانوئیل" نامیده می‌شود که به مفهوم "خدا با ما" می‌باشد. ملل اسرائیل و ارام موفق به هلاکت یهودا نشدند. بنابراین شیطان بار دیگر شکست خورد. کتاب‌مقدس تعلیم می‌دهد که هیچ ملت شروری و هیچ رهبری از هیچ ملتی نمی‌توانند مانع از پیاده شدن نقشه خدا شوند.

۶- منازعه‌ای که از زمان آحاز شروع شد و تا زمان استر ادامه یافت، بخشی از منازعه بین شیطان و مسیح بود.

در طول قرن پنجم قبل از میلاد، یهودیان (نسل حکومت جنوبی یهودا) در هر نقطه‌ای از امپراطوری پارسها زندگی می‌کردند. هامان شریر از یهودیان متنفر بود (استر ۳: ۵-۶) و خشایارشا (اخشورش پادشاه) را وادار کرده بود که حکمی مبنی بر هلاکت تمام یهودیان در آن امپراطوری صادر کند (استر ۳: ۸- ۱۰). این نامه‌ها بوسیله قاصدان به تمام استانهای امپراطوری فرستاده شد که به‌موجب آن، تمام یهودیان می‌بایست در روز سیزدهم ماه دوازدهم که ماه آذار باشد قتل عام شوند و دارایی آنها به غنیمت گرفته شود (استر ۳: ۱۳-۱۴). اگر هامان در انجام این نقشه موفق می‌شد، شیطان پیروز می‌شد و مانع انجام نقشه نجات‌بخش خدا می‌گردید. استر، ملکه یهودی، خشایارشا (اخشورش پادشاه) را از این توطئه مطلع ساخت. و در نتیجه، پادشاه، هامان را به دار آویخت و حکم دیگری صادر کرد که بر اساس آن به تمام یهودیان امپراطوری‌اش، اجازه داده می‌شد که برای دفاع از خود و خانواده‌هایشان متحد شوند و تمام بدخواهان خود را از هر قوم و ملتی که باشند هلاك سازند (استر ۸: ۷-۱۱). خدا مانع از این بلای بزرگ شد و شیطان نتوانست در این مورد پیروز شود و پیروز نشد.

۷- منازعه‌ای که از زمان استر شروع شد و تا بیت‌لحم ادامه یافت، بخشی از منازعه بین شیطان و مسیح بود.

الف) در منازعه‌ای که بین شیطان و مسیح در طول قرون وجود داشته است، عیسی مسیح پیروزی را به دست آورده است. منازعه بین شیطان و مسیح در طول دوران عهد عتیق، در مکاشفه ۱۲: ۱-۵ توصیف شده است. "اژدها پیش آن زن که می زایید ایستاد تا چون بزاید فرزندش را ببلعد. پس پسر نرینه‌ای را زایید که همه امتهای زمین را به عصای آهنین حکمرانی خواهد کرد؛ و فرزندش به نزد خدا و تخت او ربوده شد." در واقع "زن"، نماد قوم خدا در زمان عهدعتیق می‌باشد. نجات‌دهنده موعود باید در میان آنها به دنیا می‌آمد (یوحنا ۴: ۲۲). "اژدها"، نماد شیطان می باشد. و "پسر نرینه"، نماد مسیحای موعود که عیسی مسیح است، می‌باشد. در طول تاریخ عهدعتیق، شیطان سعی کرده بود که مانع از تولد نجات‌دهنده موعود شود. با وجود این، نقشه نجات‌بخش خدا با شکست مواجه نشده و نخواهد شد (اشعیا ۱۴: ۲۴، ۲۷).

ب) وقتی که زمان مناسب برای تولد نجات‌دهنده موعود در بیت‌لحم، فرا رسید (میکا ۵: ۲)، شیطان تلاش نهایی خود را جهت ممانعت از وقوع این امر به‌عمل آورد. هیرودیس پادشاه که پادشاه شرور که دست‌نشانده رومیها بود، وقتی که خبر به دنیا آمدن پادشاه و نجات‌دهنده موعود را از زبان مجوسیانی که از شرق آمده بودند، شنید، ترسان شد. او فکر می‌کرد که این منجی موعود تهدیدی برای حکومت زمینی او خواهد بود، به همین دلیل دستور قتل عام تمام فرزندان ذکور پایینتر از ۲ سال در بیت‌لحم را صادر کرد (متی ۲: ۱-۱۸).
باز اینگونه به‌نظر می‌رسید که شیطان پیروز می‌شود. ولی نقشه ابدی خدا باطل نشده و نخواهد شد. در شب، فرشته خداوند به یوسف ظاهر شده از او خواست تا برخاسته، طفل و مادرش را بردارد و به مصر فرار کند. ایشان تا زمان مرگ هیرودیس در مصر ماندند.

پ) هنگامی که مسیح خدمت خود را بر روی زمین شروع کرد، شیطان از طریق وسوسه‌های سخت، بار دیگر تلاش کرد تا او را تحت تسلط خود درآورد. در ابتدا شیطان عیسی را وسوسه کرد به اینکه به خدا اعتماد نکند و خود مختار و مستقل از او باشد. او تلاش کرد که اعتماد عیسی را به خدای پدر در زمینه تأمین نیازهای او از میان ببرد (متی ۴: ۱-۴). پس از آن او را وسوسه کرد به اینکه اعتمادی دروغین به خدا داشته باشد و به وعده‌ای در کتاب‌مقدس ایمان داشته باشد که آن را کاملاً خارج از چارچوب واقعی خود در کلام، بیان کرده بود. شیطان تلاش کرد با نقل قول از کلام خودِ خدا خارج از چارچوب درستش، عیسی را متقاعد کند (متی ۴: ۵-۷). و در نهایت، شیطان عیسی را وسوسه کرد به اینکه حاکم بر تمامی ممالك روی زمین بشود بدون اینکه راه سخت صلیب را طی کند. او سعی کرد که عیسی را در رابطه با امور مادی مورد وسوسه قرار دهد تا بدین ترتیب عیسی خود را تحت کنترل و حاکمیت او قرار دهد (متی ۴: ۸-۱۱). عیسی مسیح بر هر نوع وسوسه‌ای غلبه یافت و ذات واقعی شیطان را به عنوان يك دروغگو افشا کرد (یوحنا ۸: ۴۴).

ت) عیسی مسیح در طول خدمت نجات‌بخش خود بر روی زمین، دیوها (فرشتگان سقوط کرده شیطان) را از میان مردم اخراج کرد و بدین طریق حاکمیت (پادشاهی) خدا را بر روی زمین مستقر کرد (متی ۱۲: ۲۸). عیسی مسیح به این دنیا آمده بود تا اعمال شیطان را باطل سازد (اول یوحنا ۳: ۸). عیسی مسیح توسط مرگش، شیطان و نیروهای شریر او را خلع سلاح کرده، بر آنها پیروز شد (کولسیان ۲: ۱۵). و توسط قیام، صعود و نشستن بر تخت سلطنتش در آسمان، شیطان را از مقامی که با تکبر به‌عنوان رئیس این جهان داشت بیرون افکند. از آن زمان به بعد، عیسی مسیح همه مردم را از تمام دنیا به سوی خود می‌کشد (یوحنا ۱۲: ۳۱-۳۲).
از طریق موعظه پیغام انجیل، مردم از حاکمیت شیطان به ملکوت عیسی‌مسیح منتقل می‌شوند (کولسیان ۱: ۱۳). بدین طریق وعده‌ای که خدا در پیدایش ۳: ۱۵ داده بود به تحقق می‌رسد. عیسی مسیح، که "از نسل زن" و "از نسل ابراهیم" بود (پیدایش ۲۲: ۱۸)، سر مار را کوبید. او از زمان آمدنش بر روی زمین، بر تمامی ریاسات و قدرتهای روی زمین سلطنت کرده است (افسسیان ۱: ۲۰-۲۲). از زمان آمدن عیسی مسیح به زمین، هیچ کس نتوانسته است مانع از عمل او در دعوت مردم تمامی ملل به سمت خود، بشود.

پ - انبیای عهدعتیق در رابطه با آمدن نجات‌دهنده نبوتهای زیادی کردند.

نبوت‌های عهدعتیق در رابطه با آمدن نجات‌دهنده، قدیمی‌ترین نبوتهایی در جهان بوده‌اند که به طور واقعی به تحقق رسیده‌اند. انبیا نبوت کردند که نجات‌دهنده موعود بزرگترین نبی، کاهن اعظم و پادشاه خواهد بود.

۱- **درست در ابتدای تاریخ بشر،** خدا نبوت کرد که نجات‌دهنده موعود سر شیطان را خواهد کوبید (پیدایش ۳: ۱۵).

۲- **بیش از ۲۱۰۰ سال قبل از میلاد،** خدا به ابراهیم وعده داد که نجات‌دهنده موعود "از نسل ابراهیم" خواهد بود و او تمامی امت‌های زمین را برکت خواهد داد (پیدایش ۱۲: ۳؛ ۲۲: ۱۸؛ غلاطیان ۳: ۱۶).

۳- **بیش از ۱۴۰۰ سال قبل از میلاد،** موسی نبی نبوت کرد که نجات‌دهنده موعود بزرگترین نبی‌ای خواهد بود که تا به حال زیسته است. او کلام خدا را بیان خواهد کرد و خدا اطاعت از او را از تمام مردم مطالبه خواهد کرد (تثنیه ۱۸: ۱۵-۱۸).
۴- **بیش از ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد،** داود نبوت کرد که نجات‌دهنده موعود بزرگترین کاهنی خواهد بود که تا به حال زیسته است (مزمور ۱۱۰: ۴). اگرچه مردم او را تحقیر کرده، مصلوبش خواهند کرد و رخت او را میان خود تقسیم کرده، بر لباس او قرعه خواهند انداخت (مزمور ۲۲: ۱-۱۸)، او با مرگ خود کفاره گناهان آنها خواهد شد (اشعیا ۵۳: ۶، ۱۰).

۵- **بیش از ۷۰۰ سال قبل از میلاد،** میکای نبی نبوت کرد که نجات‌دهنده موعود در شهر بیت لحم به دنیا خواهد آمد (میکا ۵: ۲). و اشعیای نبی نبوت کرد که او "خدا با ما" نامیده خواهد شد (اشعیا ۷: ۱۴). او به‌خاطر تقصیرات مردم مصلوب می‌شود و آنها را عادل خواهد گردانید (اشعیا ۵۳: ۵، ۱۱). اشعیای نبی همچنین نبوت کرد که نجات‌دهنده موعود بزرگترین پادشاهی خواهد بود که تا به حال زیست کرده است. او با خدای پدر که خدای ابدی است، یك خواهد بود و پایه حکومتش را بر عدل و انصاف استوار خواهد ساخت و پادشاهی او را انتهایی نخواهد بود (اشعیا ۹: ۶-۷).

۶- **بیش از ۴۰۰ سال قبل از میلاد،** ملاکی نبی نبوت کرد که شخصی راه را برای نجات‌دهنده موعود آماده خواهد کرد (ملاکی ۳: ۱، ۴: ۵-۶). که منظور، یحیی تعمیددهنده است (متی ۱۱: ۱۱-۱۴؛ ۱۷: ۱۰-۱۳).

ت - وقایع مربوط به تولد عیسی مسیح

۱- جسم یافتن او: خدای ابدی در عیسی مسیح مجسم می شود.

حیات عیسی مسیح از زمان تولدش در بیت‌لحم شروع نشد. او از ابتدا با خدا بود و او خود خدا بود. او به‌گونه‌ای ابدی دارای طبیعتی الهی بوده است (یوحنا ۱: ۱-۵، ۱۴-۱۸). وقتی که زمان مناسب فرا رسید، عیسی مسیح طبیعت انسانی را در کنار طبیعت الهی‌اش بر خود گرفت و بر روی زمین بین انسانها متولد شد. پس از آن عیسی مسیح نه تنها دارای طبیعت الهی بود، بلکه طبیعتی انسانی نیز داشت. او خدای کامل و انسان کامل بود (غلاطیان ۴: ۴، فیلیپیان ۲: ۵-۸ ؛ کولسیان ۲: ۹). زمانی که او بر روی زمین بود، مردم شاهد رشد او بودند (لوقا ۲: ۵۲). آنها او را لمس کردند، شاهد معجزات و زندگی عاری از گناه او بودند، تعالیم او را شنیدند و نجات او را تجربه کردند (اول یوحنا ۱: ۱-۳).

۲- اعلام خبر به زکریا

قبل از تولد عیسی مسیح، فرشته‌ای به زکریا ظاهر شد و به او اعلام کرد که در سن پیری صاحب پسری خواهد شد. پسر او پیشرو برای نجات‌دهنده موعود خواهد بود. زکریا به کلام خدا شك کرد و به همین دلیل خدا به او علامتی داد و آن این بود که تا زمان تحقق کلام خدا، او قادر به سخن گفتن نخواهد بود (لوقا ۱: ۵-۲۵، ۵۷-۷۹). پس از تحقق کلام خدا، زکریا قادر به تکلم شد و با بیان این حقیقت که نجات‌دهنده موعود کسی خواهد بود که توسط او، خدا عهد خود را با ابراهیم به تحقق خواهد رسانید، به حمد و پرستش خدا پرداخت (آیات ۷۲-۷۳). عهد فیض خدا که ما لایق آن نبودیم، برای تمامی ملل دنیا توسط عیسی‌مسیح به حقیقت خواهد پیوست.

۳- اعلام خبر به مریم

قبل از تولد عیسی مسیح، جبرائیل فرشته به مریم ظاهر شد و به او اعلام کرد که خدا به طور خاص او را مورد التفات خود قرار داده است (لوقا ۱: ۲۶-۵۶). او مقرر شده بود که از نقطه نظر طبیعت انسانی عیسی، مادر او باشد. او توسط قدرت مافوق طبیعی روح‌القدس حامله گشت و آن مولود مقدس پسر خدا نامیده شد (آیه ۳۵). عیسی مسیح توسط تولدش خدا نشد. بلکه خدای ابدی توسط تولدش، طبیعت انسانی بر خود گرفت. عیسی همواره خدا بوده است و در زمان مناسب، در کنار طبیعت الهی‌اش، طبیعت انسانی را نیز بر خود گرفت. اگر چه چنین اتفاقی هیچوقت در تاریخ بشر به وقوع نپیوسته بود، فرشته اعلام کرد که هیچ امری نزد خدا محال نیست (آیه ۳۷). مریم بر خلاف زکریا، به کلام خدا شك نکرد، بلکه زندگی خود را وقف نقشه و اراده او کرد.

۴- اعلام خبر به یوسف

قبل از تولد عیسی مسیح، فرشته‌ای در خواب به یوسف ظاهر شد و به او اعلام کرد که زنی که با او نامزد بود (در آن زمان به این مفهوم بود که از نظر شریعت با او ازدواج کرده بود)، با قدرت روح خدا حامله خواهد شد. یوسف باید او را "عیسی" می‌نامید که به مفهوم "نجات‌دهنده" می‌باشد. او قوم خود را در تمامی دنیا از گناهانشان نجات خواهد داد. یوسف شوهر بسیار وقف شده‌ای بود. او به کلام خدا ایمان آورده، مریم را ترك نکرد و تا زمان به دنیا آمدن عیسی با او رابطه جنسی نداشت (متی

۱: ۸-۲۵). یوسف و مریم به منظور اسم نویسی طبق حکم امپراطور روم، از ناصره به بیت‌لحم رفتند و زمانی که در بیت‌لحم بودند عیسی متولد شد (لوقا ۲: ۱-۷).

۵- اعلام خبر به شبانان

پس از تولد عیسی مسیح، فرشته‌ای به شبانان ظاهر شد و به آنها اعلام کرد که منجی موعود در بیت‌لحم به دنیا آمده است و او همان مسیحای موعود می‌باشد. پس از آن گروه کثیری از فرشتگان ظاهر شده، در ستایش خدا می‌سراییدند و می گفتند که خدا بین تمام افراد روی زمین که او را خشنود می‌سازند و فیض او را می‌پذیرند آرامش و صلح را برقرار می‌سازد. پس از ملاقات شبانان با عیسی، آنها ماجرا را به گوش دیگران رساندند. عیسی را هشت روز پس از تولدش ختنه کردند (لوقا ۲: ۸-۲۴)، زیرا او "زیر شریعت" متولد شده بود (غلاطیان ۴: ۴).

۶- اعلام خبر به شمعون

مدتی پس از تولد عیسی، یوسف و مریم او را جهت تقدیم به خدا، به معبد اورشلیم بردند (لاویان ۱۲: ۱-۸؛ خروج ۱۳: ۲، ۱۲، ۱۵). روح القدس برای شمعون این حقیقت را آشکار ساخته بود که تا مسیح موعود را نبیند چشم از جهان فرو نخواهد بست. هنگامی که او عیسی را در معبد دید، در مورد او نبوت کرد که این عیسای نوزاد، آن نوری خواهد بود که بر امتها تابیده، جلال خدا را بر آنها و بر قوم بنی اسرائیل آشکار خواهد ساخت. او همچنین نبوت کرد که عیسی بی ایمانان را از ایمانداران در اسرائیل جدا خواهد کرد. مردم به دو قسمت تقسیم می شوند. برخی از آنها در مورد عیسی مسیح و برخی دیگر هم بر علیه او سخن خواهند گفت. عیسی مسیح اسرار قلبهای انسانها را آشکار خواهد ساخت (لوقا ۲: ۲۵-۳۵).

۷- اعلام خبر به مجوسیانی از مشرق زمین

یوسف، مریم و عیسی در آن زمان در خانه‌ای در بیت‌لحم زندگی میکردند. خدا از ستاره‌ای جهت راهنمایی برخی از مجوسیانی که از شرق بودند، استفاده کرد تا آنها را به سمت محل تولد پادشاه و منجی موعود جهان هدایت کند. این مجوسیان احتمالاً با نبوتهای عهدعتیق آشنایی داشتند و آنها را زمانی که یهودیان در تبعید در شرق (در بابل و امپراطوری پارس) به سر می بردند شنیده بودند. آنها پس از دیدن عیسی، هدایای گرانبهای خود را به او تقدیم کرده او را پرستش کردند. این گروه جزو اولین افرادی بودند که در حضور عیسی زانو زدند. پس از اینکه خدا به آنها در خواب هشدار داد که هیرودیس، پادشاه شرور را در رابطه با این واقعه مطلع نکنند، آنها از راه دیگری به وطن خود در شرق بازگشتند. هیرودیس پادشاه، و تمامی مردم اورشلیم در مورد خبر تولد پادشاه موعود بسیار ناراحت بودند. بسیاری از ایشان به‌جای پرستش او، در صدد نابودی او بودند (متی ۲: ۱-۱۲).

۸- فرار به مصر و بازگشت به اسرائیل

وقتی که مجوسیان مشرق‌زمین مکان تولد پادشاه موعود را به هیرودیس پادشاه اطلاع ندادند، او تصمیم گرفت از طریق کشتن تمام کودکان پایینتر از دو سال در بیت‌لحم، عیسی را نیز بکشد. در آن زمان فرشته‌ای به یوسف ظاهر شده، به او هشدار داد که خانواده‌اش را برداشته، به مصر فرار کند. پس از مرگ هیرودیس پادشاه، فرشته‌ای دیگر باز به یوسف ظاهر شد و از او خواست که به همراه خانواده‌اش به سرزمین اسرائیل روانه شود. آنها به ناصره جلیل مراجعت کردند، زیرا از پادشاه جدید که پسر هیرودیس بود و در اورشلیم، در نزدیکی بیت‌لحم (در یهودیه) فرمانروایی می‌کرد، ترسان بودند. بنابراین عیسی در ناصره جلیل بزرگ شد (متی ۲: ۱۳-۲۳).

ث - اهمیت تولد عیسی مسیح

۱- عیسی مسیح به این جهان آمد تا مردم توبه‌کار را از گناهانشان نجات دهد.

یوحنا ۳: ۱۶ می‌فرماید، "زیرا خدا جهان را اینقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاك نگردد بلکه حیات جاودانی یابد." و اول یوحنا ۴: ۱۰ می فرماید: "و محبت در همین است، نه آنکه ما خدا را محبت نمودیم، بلکه اینکه او ما را محبت نمود و پسر خود را فرستاد تا کفاره گناهان ما بشود."
عید میلاد مسیح (کریسمس)، جشن محبت خداست. خدا در محبت عظیمش، بزرگترین هدیه خود را که عیسی مسیح است به جهان بخشید. کلمه "جهان" در یوحنا ۳: ۱۶، به مفهوم "جهانی است که انسانها در آن زندگی می کنند که دور از خدا، غرق در گناه، در معرض داوری و نیازمند نجات می‌باشد". این "جهانی است که در آن از هر نژاد و ملتی وجود دارند". از طرف دیگر، "جهانی است که هنوز تحت حمایت و مراقبت خدا می‌باشد". خدا عیسی مسیح را به جهان فرستاد تا مردم را نجات دهد. هر که به او ایمان آورد قطعاً هلاك نخواهد گشت بلکه حیات جاودانی خواهد داشت.

۲- <u>عیسی مسیح به این جهان آمد تا مردمی را که توبه نمی کنند داوری کند.</u>

لوقا ۲: ۳۴-۳۵ می فرماید، "اینك این طفل قرار داده شد برای افتادن و برخاستن بسیاری از آل اسرائیل و برای آیتی که به خلاف آن خواهند گفت".
عید میلاد مسیح (کریسمس)، جشن جدایی مردم از یکدیگر می‌باشد. عیسی مسیح باعث برخاستن عده‌ای و افتادن برخی دیگر خواهد شد. بنابراین تمام مردم باید انتخاب کنند که آیا با عیسی مسیح هستند یا بر علیه او. بر طبق اول پطرس ۲: ۶-۸، عیسی مسیح برای بسیاری از مردم یك سنگ زاویه خواهد بود. افرادی که به او ایمان آورند، هرگز خجل نخواهند شد. برای برخی دیگر از مردم او سنگ لغزش خواهد بود. افرادی که از او نااطاعتی کنند قطعاً لغزش خورده، خواهند افتاد. هیچکس نمی‌تواند در رابطه با آمدن عیسی مسیح به این جهان موضعی خنثی داشته باشد. هیچکس نمی‌تواند در رابطه با پیام میلاد مسیح حالتی بی تفاوت داشته باشد.

۵	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای در پاسخ به کلام خدا**

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

۶	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(سر گروه: رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ - <u>تعهد</u> - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
۲ - <u>برای یك فرد یا گروه</u>، موضوع " میلاد مسیح (کریسمس) - جشنی که یادآور تولد مسیح می باشد " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
۳ - <u>رازگاهان</u> - هر روز نیمی از یك فصل از مرقس ۴: ۲۰-۷: ۳۷ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۴ - <u>حفظ کردن</u> - آیه حفظی جدید (پاکی: اول پطرس ۲: ۱۱) را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
۵ - <u>بررسی کتاب‌مقدس</u> - انجیل یوحنا را مطالعه کنید. در درس بعدی انجیل یوحنا معرفی خواهد شد.
۶ - <u>دعا</u> - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
۷ - <u>آموخته های جدید</u> مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.